

Criminal law doctrines of Islamic countries

<https://diplic.qom.ac>



Counselling and Procuring *Moharebeh* in Iranian Criminal Law and Islamic Jurisprudence

Mohammad Yari,¹✉ Abolfath Khaleghi² 

Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom, Iran, Qom,

Email: ab-khaleghi@qom.ac.i

Master's student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Qom University, Iran, Qom, (Corresponding Author),

Email: mohammad.yari@stu.qom.ac.ir

Abstract

Moharebeh, as a crime against public security, is criminalized in Iranian criminal law under Article 279 of the Islamic Penal Code. From the Islamic jurisprudence perspective, *Moharebeh*, as one the *Hodod* (prescribed punishments), is derived from Verse 33 of *Surah Al-Ma'idah*. Counselling and procuring *Moharebeh* refers to Assistance and cooperation in revealing or drawing a weapon to make fear and terror in society, thereby causing harm to people. The question of counselling and procuring *Moharebeh* will encompass various forms of assistance and cooperation with the principal offender that is carried out with the intention of harming life, property, or honor, or intimidating the public. Therefore, counselling and procuring *Moharebeh* is an act committed with the intention of assisting someone who intends to harm the lives, property, or honor of the people, or to intimidate them by drawing a weapon in society. The actus reus of counselling and procuring *Moharebeh* can be inferred from the samples included in Article 126 of the Islamic Penal Code. The mens rea of counselling and procuring also includes knowledge and intent regarding the commission of the acts mentioned in this article. Given the derivative nature of the punishment for an accessory, as a general criterion, the main question in this research is whether this criterion is applicable to *Hodod* crimes, such as *Moharebeh*. The findings of this research reveal that in the Iranian criminal system, determining the derivative punishment for counselling and procuring *Moharebeh* in cases where the perpetrator is sentenced to crucifixion, banishment or amputation, is fraught with ambiguity, lack of legal provision, or legal deficiency.

Keywords: *Moharebeh*, Counselling and Procuring *Moharebeh*, punishment of crucifixion, banishment, amputation.

Received: 24/12/2024

Accepted: 16/02/2025

How To Cite: Khaleghi, A., Yari, M. (2025). Counselling and Procuring *Moharebeh* in Iranian Criminal Law and Islamic Jurisprudence, *Criminal law doctrines of Islamic countries*, 2 (1), 91-110.

doi.org/10.22091/delic.2025.11682.1038

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research





معاونت در محاربه در حقوق کیفری ایران و فقه اسلامی

ابوالفتح خالقی،^۲ محمد یاری^۳

استاد گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه قم، ایران، قم، رایانامه: ab-khaleghi@qom.ac.ir
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه قم، ایران، قم، (نویسنده مسئول)، رایانامه: mohammad.yari@stu.qom.ac.ir

چکیده

محاربه به‌عنوان یکی از جرائم علیه امنیت عمومی در حقوق کیفری ایران، بر اساس ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری شده است. از منظر فقه اسلام، محاربه به‌عنوان یکی از حدود از مضمون آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده نشت گرفته است. معاونت در محاربه به معنای مساعدت و همکاری در آشکارسازی یا تجرید سلاح به‌منظور ایجاد ترس و وحشت در جامعه است که باعث صدمه به مردم می‌شود. موضوع معاونت در محاربه اقسام متنوعی از مساعدت و همراهی با مباشر خواهد بود که به قصد آسیب به جان، مال یا ناموس یا ارباب عموم مردم انجام می‌شود. ازاین‌رو، معاونت در محاربه رفتاری است که با هدف کمک به شخصی که قصد صدمه به جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آن‌ها با کشیدن اسلحه در جامعه دارد، محقق می‌شود. رکن مادی معاونت در محاربه از مصادیق مندرج در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی قابل استنباط است. رکن روانی معاونت نیز شامل علم و عمد در ارتکاب مصادیق مذکور در همین ماده است. نظر به عاریتی بودن مجازات معاون به‌عنوان یک معیار کلی، مسئله اساسی این تحقیق آن است که آیا این ملاک در جرائم حدی از جمله جرم محاربه قابل تعمیم است؟ دستاورد پژوهشی و نتیجه بررسی در این تحقیق آشکار می‌سازد که در سیستم کیفری ایران، تعیین کیفر عاریتی معاونت در محاربه در فرض مجازات صلب، نفی بلد یا قطع عضو برای مباشر با ابهام، فقدان نص یا نقص قانون مواجه است.

کلیدواژه‌ها: محاربه، معاونت در محاربه، مجازات صلب، نفی بلد، قطع عضو.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸

استاد: ابوالفتح خالقی، محمد یاری، (۱۴۰۴). معاونت در محاربه در حقوق کیفری ایران و فقه اسلامی، *آموزه‌های حقوق کیفری کشورهای اسلامی*، ۲ (۱)، ۱۱۰-۹۱.

doi.org/10.22091/dlic.2025.11682.1038

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان



ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

جرم امنیتی داخلی، جرمی است که تمامیت سیاسی کشور را به مخاطره می‌اندازد (پوربافرانی، ۱۳۹۵: ۲۱). بدون تردید محاربه یکی از مهم‌ترین جرائم علیه امنیت و به‌عنوان یک جرم حدی در قرآن کریم در آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده به آن به‌صورت مستقیم اشاره شده است. به‌موجب حکم این آیه شریفه: ﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ «همانا کیفر آنان که با خدا و رسول به جنگ برخیزند و در زمین به فساد کوشند جز این نباشد که آن‌ها را به قتل رسانده، یا به دار کشند و یا دست و پایشان به خلاف یکدیگر ببرند و یا به نفی و تبعید از سرزمین (صالحان) دور کنند. این ذلت و خواری عذاب دنیوی آن‌هاست و اما در آخرت به عذابی بزرگ معذب خواهند بود.» محاربه جز معدود جرائمی است که فقها بر آن به‌عنوان یک جرم حدی اتفاق نظر دارند. نظر به اینکه مراد از محاربه با خدا و رسول او که در آیه شریفه بیان شده، همان محاربه با مسلمانان خواهد بود؛ ازاین‌رو، در قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری شده است. برای بزرگ جلوه دادن و اهمیت بخشیدن به جامعه اسلامی و اینکه جنگ با امت اسلامی به‌منزله جنگ با خدا و رسول است (هاشمی، ۱۳۷۶: ۱۴۵).

برخی از فقها در تعریف شخص محارب معتقدند: محارب، کسی است که سلاح خود را ظاهر کند و از اهل تهمت محسوب شود؛ چه در شهر و چه در خارج از آن، چه در شهرهای شرک و چه در شهرهای اسلام، چه در روز و چه در شب (طوسی، ۱۳۶۲: ۴۹۰) یا محارب هر کسی است که برهنه کند حربه را به جهت ترسانیدن مردم، چه در بیابان چه در دریا، در شب باشد یا روز، در شهر باشد یا غیر آن (محقق حلی، ۱۳۷۴: ۱۸۸۸) افزون بر این، هر کسی که برای ترسانیدن مردم سلاح بکشد، ولو برای یک نفر یا اسلحه بکشد. به‌طوری که به کار او افساد فی‌الارض گفته شود، محارب است (نجفی، ۱۳۹۰: ۹). مرحوم امام در مورد محارب معتقدند که:

«محارب هر آن کسی است که شمشیرش را برهنه می‌کند یا آن را تشهیر می‌نماید تا مردم را بترساند و می‌خواهد در زمین افساد نماید، چه در خشکی یا دریا باشد، چه در شهر یا در غیر آن باشد، شب یا روز باشد و برای تحقق آن لازم نیست که محارب از اهل ریه باشد و مرد یا زن بودن مرتکب نیز شرط نیست» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶: ۲۳۹).

تعریف مرحوم امام در مورد محاربه اشاره به شمشیر دارد؛ در صورتی که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به اسلحه خواه سرد یا گرم، اشاره دارد و شمشیر موضوعیت ندارد و برای تحقق محاربه کفایت می‌کند. از طرف دیگر، در تعریف مرحوم امام دیده می‌شود که از واژه در زمین افساد نماید استفاده شده است،

در صورتی که می‌دانیم این واژه برای حد افساد فی الارض نه محاربه است. حد که در لغت به معنای منع آمده است، در شرع به مجازاتی که متعلق به بدن باشد و مقدار و کمیت آن را شارع تعیین کرده باشد اطلاق می‌گردد (محقق حلی، ۱۳۷۴: ۱۸۴۶). به هر حال مراد از جرم محاربه، کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آن‌ها به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. همین تعریف نیز در ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی پذیرفته شده است. مضافاً ماده ۲۸۲ قانون مورد اشاره چهار نوع کیفر در مورد محارب مقرر کرده است که از عقوبت‌های چهارگانه مندرج در آیه ۳۳ سوره شریفه مانده اتخاذ شده‌اند.

این مجازات‌ها عبارت‌اند از: اعدام، قطع دست راست و پای چپ، نفی بلد و صلب. فقها در مورد انتخاب نوع مجازات شخص محارب دو فتوای مختلف شامل فتوای «تخیر» و «ترتیب» بیان داشته‌اند. فقها «تخیر باور» معتقدند که قضات در تعیین هر کدام از کیفرها مختارند. اما در مقابل فقها «ترتیب باور» عقیده دارند، بین نوع رفتار محارب و کیفر وی باید سنخیت وجود داشته باشد. مع الوصف قانون‌گذار ایران در ماده ۲۸۳ قانون مجازات اسلامی از دکتین «تخیر باوران» تبعیت کرده است. به موجب این ماده قاضی اختیار دارد تا بنا به صلاحدید خود یکی از چهار مجازات را در مورد شخص محارب تعیین نماید. باین حال، مسئله مهم‌تر که موضوع تحقیق حاضر است؛ تعیین نوع کیفر شخص معاونی است که مباشر محاربه را در ارتکاب جرم همراهی می‌کند.

این سؤال که فتاوی «ترتیب» یا «تخیر» چه تأثیری در تعیین کیفر معاون خواهد داشت، کلید محوری بحث است. از منظر قانون مجازات اسلامی نوع کیفر شخص معاونی که مجازات اعدام برای مباشر جرم محاربه معین شده باشد. مطابق ماده ۱۲۷، کیفر معاون او نیز معلوم و مشخص است. اما چنانچه قاضی بخواهد مجازات‌های دیگر را در مورد شخص محارب تعیین کند، نوع کیفر شخص معاون در جرم محاربه، چالش برانگیز خواهد بود. هدف اصلی این مقاله، پاسخ به این سؤال است که معاون در محاربه به چه مجازاتی محکوم می‌شود؟ و در صورتی که دادگاه مجازاتی غیر از اعدام برای مباشر تعیین کند، پیامدهای قانونی آن چه خواهد بود؟ طبق بررسی‌های صورت گرفته در هیچ اثر علمی به این مورد به صورت تفصیلی به این موضوع پرداخته نشده است؛ بدین سبب جستجوی پاسخ برای این ابهام در مورد مجازات معاونت در جرم محاربه، با استمداد از روش مطالعه کتابخانه‌ای ضروری می‌نماید. مقدمتاً، در قسمت اول این اثر به بررسی معاونت در جرم و بیان ارکان سه‌گانه قانونی، مادی و روانی آن پرداخته خواهد شد. در قسمت دوم نیز مجازات‌های محاربه و نظریه مقنن در مورد «تخیر» یا «ترتیب» آن‌ها و در بخش پایانی هم اقوال مختلف در مورد چگونگی تعیین کیفر بحث خواهد شد.

۱. معاونت در محاربه

معاونت که در لغت به معنای کمک کردن و یاری دادن است (معین، ۱۳۷۶: ۴۲۸۱). در اصطلاح حقوقی معاونت در جرم را حقوق دانان این گونه تعریف کرده اند: «ایجاد فکر و اندیشه مجرمانه در دیگری و یا مساعدت و همکاری غیرمستقیم با کسی که در مقام ارتکاب جرم، قبل یا همزمان با ارتکاب جرم است» (منصورآبادی، ۱۳۹۶: ۶۰) یا «شخص بدون آنکه مستقیماً و راساً در عملیات اجرایی جرم شرکت نموده باشد، به یکی از صور پیش بینی شده در قانون، مجرم یا مجرمین را در ارتکاب جرم کمک نماید» (شمس ناتری، ۱۳۹۶: ۳۲۰).

۱.۱. رکن قانونی معاونت در محاربه

رکن قانونی به معنای حکم قانون گذار در جرم انگاری است، بدین معنی که برای رفتار معینی در قانون، ضمانت اجرای کیفری تعیین شده باشد. قانون گذار ضوابط قانونی معاونت در جرم را در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی احصا کرده است. به حکم این ماده اشخاص زیر معاون جرم محسوب می شوند:

الف. هرکس دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد؛ ب. هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد؛ پ. هرکس وقوع جرم را تسهیل کند.

تبصره - برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است، مرتکب شود؛ معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف تر محکوم می شود.

اصولاً مجازات معاونت در جرم، وابسته به رفتار مباشر عملیات مجرمانه است و قابل مجازات دانستن رفتار معاون به تبع مباشر است. به عبارت دیگر، رفتار معاون از مباشر عاریه گرفته می شود و به همین دلیل از آن به مجرمیت عاریه ای تعبیر می شود. همین امر روشن می سازد که معاونت یک عنوان مجرمانه مستقل نبوده، بلکه امری فرعی و به تبع مباشر است. نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این مورد است که رفتار معاون در صورتی جرم تلقی می شود که رفتار مباشر، جرم به حساب آید (منصورآبادی، ۱۳۹۶: ۶۲). معاون در جرم، رکن قانونی را از مرتکب اصلی به عاریت می گیرد و به همین دلیل باید رفتار مباشر جرم در قانون مجازات اسلامی دارای عنوان کیفری و مجازات باشد (الهام، ۱۳۹۶: ۳۲۴) و همین طور مباشر جرم باید جرم را انجام داده باشد یا لاقفل شروع

به انجام کرده باشد تا رفتار شخص مشمول معاونت در جرم قرار بگیرد (شمس ناتری، ۱۳۹۶: ۳۲۳). مضاف بر آنکه در بند الف ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی در مورد معاونت در جرائم حدی مقرر شده در صورتی که در شرع، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد، مجازات وی به این شرح است: در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو یا سه خواهد بود. مطابق مفاد ماده ۱۹ همین قانون که مجازات‌های تعزیری به هشت درجه تقسیم می‌کند. درجات دوم و سوم مورد اشاره در ماده ۱۲۷ شامل حبس بیش از پانزده تا بیست و پنج سال، جزای نقدی بیش از ۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال، حبس بیش از ده تا پانزده سال، جزای نقدی بیش از ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال است. اما اگر مجازات‌های دیگر مانند صلب، قطع عضو و نفی بلد باشد با نقص قانونی مواجه هستیم.

۲.۱. رکن مادی معاونت در محاربه

قانون‌گذار به صورت قاعده کلی مصادیق یازده‌گانه‌ای را برای رفتار مادی معاونت در جرم احصا کرده که در ادامه به بررسی این موارد پرداخته خواهد شد. با التفات به اینکه اهم رفتارهای معاونت در محاربه نیز تابعی از این موارد می‌باشند.

۱-۲-۱. رفتار مجرمانه

الف. ترغیب: ترغیب به معنای ایجاد امید و مایل نمودن مباشر به ارتکاب جرم است (غلامی، ۱۴۰۲: ۸۰) یا در بیش‌تر موارد تحریکی است که شوق و تمایلی را در مباشر برای ارتکاب جرم ایجاد می‌کند (نوربها و شیر، ۱۳۹۶: ۲۱۵).

ب. تهدید: عبارت است از اقدامات کتبی یا شفاهی که معاون انجام می‌دهد تا از طریق ترس مالی، جانی یا حیثیتی‌نادار به ارتکاب جرم نماید (محسنی و دیبازاد، ۱۳۹۶: ۹۶)، اما این تهدید نباید باعث زایل شدن اراده مباشر گردد که در این صورت رفتار معاون سبب اقوی از مباشر است.

پ. تطمیع: یعنی شخص معاون به علت منافع و امتیازاتی که در ارتکاب جرم وجود دارد، مباشر را به‌سوی جرم سوق می‌دهد (الهام، ۱۳۹۶: ۳۲۹). تطمیع در واقع نوعی از تحریک و ترغیب است که معمولاً همراه با وعده و وعید است (شمس ناتری، ۱۳۹۶: ۳۲۵)، همچنین در تفاوت مابین تطمیع و ترغیب گفته شده که انگیزه ارتکاب جرم در تطمیع، جنبه مالی و مادی دارد اما در ترغیب هم جنبه مالی و هم معنوی دارد (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۱۵۴).

ت. تحریک: به معنای وادار کردن و الزام شخص مباشر به ارتکاب جرم است و معنای اعمی از ترغیب و تطمیع دارد. تحریک دارای شرایطی است: الف. منجز و مستقیم باشد: باید محرک جرم معین و مشخص باشد نه اینکه کلی باشد؛ ب. فردی باشد: باید فرد یا افراد معین را تحریک کند نه اینکه به طور مثال تحریک یک شهر یا محله بزرگی به ارتکاب جرم باشد؛ ج. مؤثر باشد: در اثر این تحریک مباشر جرم تام یا لاقلاً شروع به جرم نماید؛ ث. دسیسه و فریب: زمینه‌چینی و حیل به صورتی که مباشر را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهد که به واسطه آن مرتکب رفتار مجرمانه‌ای گردد (نوربها و شیر، ۱۳۹۶: ۲۱۶).

ج. سو استفاده از قدرت: به معنای استفاده ناروا از مقام یا موقعیت اجتماعی است. این موقعیت می‌تواند ناظر بر مقام دولتی یا محصول روابط خاص به عنوان مثال پدر و فرزندی باشد (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۱۰۵). به طور مثال رئیس یک باند سازمان یافته افراد زیردست خود را ملزم به ارتکاب جرم نماید. یک نمونه که در قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده است، امر آمر قانونی است که آمر به مجازات معاونت در جرم محکوم می‌شود.

چ. ساخت یا تهیه وسیله ارتکاب جرم: در این رفتار، شخص معاون وسیله‌ای که جرم به وسیله آن ارتکاب می‌یابد را می‌سازد یا تهیه می‌کند و در اختیار شخص مباشر قرار می‌دهد. در جرم محاربه می‌توان به دادن اسلحه اعم از سرد یا گرم یا ماشین برای فرار از صحنه ارتکاب جرم باشد (الهام، ۱۳۹۶: ۳۳۰)، شرطی که ساخت یا تهیه وسیله ارتکاب جرم باید دارا باشد.

استفاده مباشر از وسایل معاون: اگر مباشر جرم از وسایلی که معاون در اختیار او قرار داده استفاده نکند، عملاً شخص معاون جرم نخواهد بود (شمس ناتری، ۱۳۹۶: ۳۲۸)؛ یعنی اینکه اگر معاون جرم اسلحه سرد به طور نمونه چاقو در اختیار مباشر بدهد، اما مباشر از اسلحه کلاشینکف استفاده کند رفتار او مشمول معاونت قرار نمی‌گیرد.

ح. ارائه طریق ارتکاب جرم: شامل هر نوع مشاوره و راهنمایی به مباشر برای ارتکاب جرم است. مانند اینکه محاربه را در فلان منطقه در شهر انجام دهد که احتمال دستگیری او کمتر است (منصورآبادی، ۱۳۹۶: ۶۹). یا شیوه استفاده از اسلحه و به کارگیری آن را به مباشر (محارب) برای ارتکاب جرم آموزش دهد. همچنین دادن اطلاعات و طریقه ارتکاب جرم باید صریح باشد و اطلاعات مبهم و ساده برای ارتکاب جرم کافی نیست (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۱۵۵).

خ. تسهیل وقوع جرم: هر رفتاری که احتمال و امکان وقوع جرم را افزایش می‌دهد و باعث کمک کردن به مباشر می‌شود (منصورآبادی، ۱۳۹۶: ۶۹).

۲-۲-۱. موضوع جرم

محاربه یکی از بارزترین جرائم علیه امنیت است و موضوع آن نیز امنیت جامعه است، اما قانون‌گذار در جرم محاربه امنیت مردم را بر امنیت جامعه ترجیح داده است (پوربافرانی، ۱۴۰۲: ۱۴۹) و بنابراین موضوع جرم محاربه جان، مال یا ناموس یا ارباب مردم است. موضوع معاونت در محاربه نیز همان موارد پیش‌گفته است، یعنی باید قصد معاون و مباشر یکی باشد.

۳-۲-۱. نتیجه حاصله از جرم

محاربه، جز جرائم مقید به نتیجه است، همچنین معاونت در محاربه نیز جز جرائم مقید است. بدین معنا که باید از رفتار معاون حداقل نتیجه‌ای حاصل گردد و مباشر مرتکب شروع به جرم یا جرم تام شود. همچنین رفتار مجرمانه به همراه رکن روانی و وحدت قصد بین رفتار مباشر و معاون برای تحقق آن باید وجود داشته باشد. در ارتباط با رکن مادی معاونت ممکن است شخص مباشر جرمی که انجام می‌دهد مطلق یا مقید باشد، اما رفتار و رکن مادی شخص معاون همواره مقید است و باید نتایج مذکور در ماده ۱۲۶ محقق شود (حاجی ده‌آبادی، ۱۴۰۱: ۸۸).

۴-۲-۱. وسیله ارتکاب جرم

برای تحقق جرم محاربه وسیله‌ای خاص مد نظر قانون‌گذار است و آن هم اسلحه (اعم از سرد و گرم) است، اما برای معاون این شرط وجود ندارد، چراکه وی در رکن مادی جرم شرکت ندارد، ولی می‌تواند رفتار معاونت خود را برای مثال با دادن اسلحه یا تهیه ماشین برای فرار و شیوه استفاده از اسلحه به مباشر آموزش دهد.

۵-۲-۱. رابطه سببیت

از آنجاکه معاونت در محاربه از زمره جرائم مقید به نتیجه است، باید بین رفتار مجرمانه و نتیجه حاصله رابطه سببیت برقرار باشد؛ یعنی اینکه معاون رفتار یا رفتارهای مذکور در ماده ۱۲۶ (ق. م. ا) را انجام داده و باید سبب مباشر برای ارتکاب یا شروع به ارتکاب جرم گردد و صرف وجود فاصله زمانی میان رفتار معاون و نتیجه حاصله از مباشر جرم، رابطه سببیت قطع نمی‌گردد، مگر اینکه در این میان عامل مستقلی این رابطه سببیت را قطع کند (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۰: ۱۲۴). معیار فاصله زمانی نیز عرف است. همچنین زمینه‌سازی جرم محاربه باید معاون باشد، یعنی رفتار یا رفتارهای مذکور در ماده ۱۲۶ (ق. م. ا) زمینه اصلی جرم محاربه باشد (غلامی، ۱۴۰۲: ۱۴۰۲).

(۱۲۶) و نسبت میان رفتار معاون و مباشر نیز سبب است، یعنی رفتارهای موجود در ماده ۱۲۶ (ق. م. ا) سبب معاونت در محاربه گردد.

۳-۱. رکن روانی معاونت در جرم محاربه

رکن روانی را می‌توان به این صورت تعریف کرد: وضعیت درونی که اجزای رکن مادی و سایر نتایج مورد نظر قانون‌گذار را به ذهنیت یک فرد پیوند می‌زند. به عبارت دیگر، وضعیت روانی فرد نسبت به اجزای رکن مادی و نتایج قانونی که برخلاف قانون است. این تعریف به خوبی نشان می‌دهد که رکن روانی نه تنها به نیت و آگاهی فرد از عملش مربوط می‌شود، بلکه تأثیر عمیقی در ارزیابی قانونی آن دارد (محمدخانی، ۱۳۹۵: ۲۱). مطابق ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرائمی که وقوع آن‌ها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.

۱-۳-۱. سوءنیت عام

سوءنیت عام، عبارت است از اراده خودآگاه شخص در ارتکاب عمل (شامبیاتی، ۱۳۹۲: ۲۳۵) که قانون‌گذار در ابتدا ماده ۱۴۴ به آن اشاره فرموده است (در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. . .). علم و اطلاع در رفتار معاون بدین صورت است که شخص باید با علم و اطلاع و از روی اراده اعمال ناظر بر ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی را انجام داده باشد و باید شخص مباشر هم شروع به جرم یا جرم تام را انجام داده باشد که شخص معاون قابل مجازات باشد. مطابق قواعد کلی حقوق کیفری در جرائم مطلق صرف وجود عمد عام برای تحقق جرم کفایت می‌کند، ولی در جرائم مقید به نتیجه علاوه بر عمد عام، عمد خاص نیز برای تحقق عمد مرتکب باید وجود داشته باشد (حاجی ده‌آبادی، ۱۴۰۱: ۸۵). پس در معاونت در محاربه نیز که جرمی مقید است وجود سوءنیت خاص شرط است. توجه به این نکته نیز مفید است که در ارتباط با رکن مادی معاونت ممکن است شخص مباشر جرمی که انجام می‌دهد مطلق یا مقید باشد، اما رفتار و رکن مادی شخص معاون همواره مقید است و باید نتایج مذکور در ماده ۱۲۶ محقق شود (حاجی ده‌آبادی، ۱۴۰۱: ۸۹). سوءنیت عام در معاونت در جرم محاربه، به معنای رفتارهای ناظر بر ماده است که معاون از روی علم و اراده انجام دهد.

همچنین علم و اطلاع معاون نیز شرط است؛ یعنی هر گاه شخصی وسایلی را در اختیار دیگری قرار دهد، اما اطلاع نداشته باشد که شخص آن‌ها را برای ارتکاب جرم خواسته مشمول معاونت در جرم نخواهد بود. پس اگر معاون اطلاعی نداشته باشد که مباشر اسلحه را برای ارتکاب جرم می‌خواهد و گمان کند که برای شکار حیوانات مجاز می‌خواهد عمل او مشمول معاونت در جرم محاربه نمی‌شود.

۲-۳-۱. سوءنیت خاص

عموماً سوءنیت خاص به قصد نتیجه تعبیر می‌شود. همان‌طور که در ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است: (... در جرائمی که وقوع آن‌ها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود) رفتار ذاتاً غیر مجرمانه معاون، باید موجب تأثیرگذاری بر جریان اتخاذ تصمیم توسط مباشر شده باشد (حاجی ده‌آبادی، ۱۴۰۱: ۸۸). سوءنیت خاص در معاونت در جرم محاربه بدین صورت است که معاون قصد آن داشته باشد تا رفتار وی در عملکرد مباشر برای ارتکاب جرم مؤثر واقع شود تا جرم مورد اتفاق آن‌ها محقق گردد. به این معنی که رفتار شخص منتج به نتیجه شود؛ یعنی باید تأثیری بر شخص مباشر داشته باشد تا مباشر شروع به محاربه یا جرم تام محاربه را انجام دهد و درواقع قصد نتیجه یا علم به وقوع آنکه همان ایجاد رعب و وحشت در جامعه است را داشته باشد.

۳-۳-۱. وحدت قصد

قصد معاون باید دقیق متوجه جرمی باشد که شخص مباشر در سوی ارتکاب آن است (منصورآبادی، ۱۳۹۶: ۶۷). از آنجایی که وحدت قصد بین رفتار شخص معاون و مباشر شرط تحقق معاونت است، اگر شخص مباشر جرمی شدیدتر یا خفیف‌تر انجام داده باشد حالت‌های مختلفی برای تعیین مجازات معاون قابل تصور است که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۱. مباشر جرم شدیدتری انجام دهد: مطابق تبصره ماده ۱۲۶، (... چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود). به‌طور مثال شخص معاون اسلحه به مباشر برای ارتکاب جرم محاربه بدهد و فقط قصد معاون ایجاد رعب و وحشت در مردم باشد، اما شخص مباشر علاوه بر رعب و وحشت، قتل و غارت نیز انجام دهد که در این صورت معاون فقط به جرم معاونت در جرم محاربه تعقیب می‌شود نه سایر رفتارهایی که مباشر انجام داده است.

۲. مباشر جرم خفیف‌تری انجام دهد: با توجه به اصل تفسیر مضیق و تفسیر به نفع متهم شخص به مجازات جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود. به‌طور مثال معاون اسلحه در اختیار شخص مباشر قرار دهد و قصد هم ترس و وحشت و هم قتل اشخاص را داشته باشد؛ ولی شخص فقط مرتکب ترس و وحشت در مردم شود یا شخص فقط شروع به جرم نماید در این صورت معاون به مجازات جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود.

۳. مباشر جرم دیگری انجام دهد: در این موارد به جهت «فقدان وحدت قصد»، سوءنیت خاص معاونت منتفی بوده و اساساً شخص تحت این عنوان قابل کیفر نیست. به‌طور مثال معاون طرق و شیوه‌های ارتکاب جرم سرقت مسلحانه را به مباشر آموزش دهد، اما مباشر جرم محاربه را مرتکب شود که در این صورت شخص معاون به هیچ مجازاتی محکوم نمی‌شود.

۴. ارتکاب همان جرم مورد نظر معاون، اما به شیوه دیگر: در این حالت تغییر شیوه و طریق جرم، تفاوتی در مجازات معاون ایجاد نمی‌کند. به‌طور فرض معاون استفاده از اسلحه کلاشینکف را برای جرم محاربه آموزش دهد؛ اما شخص مباشر جرم محاربه از نارنجک و سلاح سرد استفاده نماید که در این صورت تفاوتی ندارد و شخص به جرم معاونت در جرم محاربه تعقیب و محکوم خواهد شد.

آنچه مورد بحث در این تحقیق است معاونت در جرم محاربه است همان‌طور که اشاره شد، مجازات معاون وابسته به مباشر جرم است و مجازات معاون در جرم نیز در ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی ذکر شده است به‌موجب این ماده: «در صورتی که در شرع، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد، مجازات وی به شرح زیر است:

الف. در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو یا سه؛

ب. در سرقت حدی و قطع عمدی عضو، حبس تعزیری درجه پنج یا شش؛

پ. در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها شلاق حدی است سی‌ویک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش؛

ت. در جرائم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی.

تبصره ۱- در مورد بند (ت) این ماده مجازات معاون از نوع مجازات قانونی جرم ارتكابی است، مگر در مورد مصادره اموال، انفصال دائم و انتشار حکم محکومیت که مجازات معاون به ترتیب جزای نقدی درجه چهار، شش و هفت است.

تبصره ۲- در صورتی که به هر علت قصاص نفس یا عضو اجرا نشود، مجازات معاون بر اساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم، مطابق بند (ت) این ماده اعمال می‌شود.

۴.۱. معاونت‌های خاص (طلیع و ردء)

طلیع در لغت به معنای دیده‌بان است (دهخدا، ۱۳۸۵: ۱۹۴۶). در اصطلاح، به فردی گفته می‌شود که راه‌ها را زیر نظر گرفته و افرادی را که از آن‌ها عبور می‌کنند، به محارب‌ان اطلاع می‌دهد. همچنین، طلیع به کسی گفته می‌شود که امنیت و موانع راه‌ها را برای محارب‌ان گزارش می‌کند، اما خود محارب محسوب نمی‌شود (نجفی، ۱۳۹۰: ۳۰). «ردء» به فردی گفته می‌شود که در جرم محاربه یا راهزنی یا قطاع الطريق، اموال به دست آمده را تحویل گرفته، حفاظت می‌کند یا اشیای مسروقه را مخفی می‌نماید. این افراد مشمول مجازات محارب نیستند، اما به عنوان مفسد فی الأرض شناخته می‌شوند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۲۰۳۷). همچنین، «ردء» به کسی گفته می‌شود که در رکن مادی محاربه شرکت ندارد، اما لوازم و اسباب جرم محاربه را تهیه می‌کند؛ در صورتی که در رکن مادی شرکت کند، محارب محسوب می‌شود (شهید ثانی، ۱۳۸۴: ۲۳۵).

در تعریف «ردء»، امام خمینی فرموده‌اند: «ردء کسی است که برای ضبط اموال، معاونت و مساعدت می‌کند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶: ۲۳۹). تعریفی مشابه در «جواهر الکلام» آمده است: «افرادی که در جمع‌آوری و حمل و نقل عواید حاصل از محاربه به آنان کمک می‌کنند». فقها بر محارب نبودن «طلیع» و «ردء» اتفاق نظر دارند. ابوحنیفه در این مسئله تفاوتی بین مباشر و معاون قائل نشده و هر دو را محارب دانسته است؛ اما مطابق اصل عدم صدق محارب بر آنان و همچنین احتیاط در خون، این اشخاص محارب محسوب نمی‌شوند (نجفی، ۱۳۹۰: ۳۰). همان‌طور که ملاحظه شد، رفتار «طلیع» و «ردء» مشابهت به معاونت در جرم دارد؛ زیرا «طلیع» با اعمال خود باعث ترغیب، تطمیع و دلگرمی محارب و تسهیل وقوع جرم می‌شود. همچنین، رفتارهای «ردء» مشابه ساخت یا تهیه وسیله ارتکاب جرم و تسهیل وقوع جرم است. با این حال، این دو گروه مشمول مجازات تعزیری می‌شوند و اتفاق نظر فقها نیز بر همین است. طبق استفتائی که از دفتر آیت‌الله مکارم شیرازی صورت گرفته، در پاسخ به این سؤال که مجازات محارب در فقه و قانون مجازات اسلامی مشخص است؛ اما مجازات طلیع و ردء چگونه است؟ ایشان فرمودند: «مشارک، یعنی کسی که او نیز دست به اسلحه برده و تخویف مردم نموده است، حکم محارب را دارد؛ اما معاون حکم محارب را ندارد، ولی تعزیر شدید می‌شود».

۵.۱. مجازات معاونت در محاربه

در مورد معاونت در جرم دو نظریه وجود دارد: اول، نظریه یگانگی جرم (نظریه مجرمیت اکتسابی): مطابق این نظریه صرف معاونت، جرم مستقلی به شمار نمی‌رود و شخص معاون در صورتی قابل مجازات است که مباشر، جرم تام یا لا اقل شروع به جرم کرده باشد. قانون‌گذار ایران نیز از این نظریه پیروی کرده است و معاون را سزاوار مجازات خفیف‌تری نسبت به مجازات فاعل اصلی جرم دانسته است (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۷۷)؛ دوم، نظریه چندگانگی جرم (معاونت به عنوان جرم جدا از جرم اصلی): مطابق این نظریه معاون را همانند فاعل جرمی مستقل مسئول اعمال خویش دانسته یعنی مجازات مستقلی نسبت به فاعل اصلی دارد و رفتار وی وابسته به مباشر نیست. قانون‌گذار در برخی موارد محدود این نظریه را مورد پذیرش قرار داده است، به طور مثال اخفای مال مسروقه (ماده ۶۶۲ قانون تعزیرات اسلامی).

یکی از اصول اساسی در معاونت در جرم وحدت قصد بین معاون و مباشر است و این نظریه مخالف این اصل است و در صورتی که این نظریه مورد پذیرش واقع شود دیگر معاونت در جرم معنا ندارد (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۷۹). پس باید این نظریه را به همان موارد محدودی که قانون‌گذار ذکر فرموده اکتفا کرد و به دیگر مجازات‌ها تعمیم نداد. طبق نظریه یگانگی جرم که مورد پذیرش قانون‌گذار نیز قرار گرفته است مجازات معاونت در جرم همواره باید کمتر از مجازات فاعل اصلی جرم باشد. در صورتی که محارب به اعدام (سلب حیات) محکوم شود، مجازات معاون نیز مطابق بند (الف) ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی حبس تعزیری درجه دو یا سه که بنابر اوضاع و احوال صورت گرفته تعیین می‌گردد. اما در سایر مجازات‌های محاربه یعنی نفی بلد، صلب و قطع دست راست و پای چپ با سکوت قانون‌گذار مواجه هستیم که متعاقباً با بررسی چند نظریه به این مورد پرداخته خواهد شد.

۲. دکترین‌های ناظر بر تعیین مجازات معاونت در محاربه

۱.۲. دکترین اختیار قاضی

اولین دیدگاه این است که همان‌گونه که برای تعیین کیفر شخص محارب قانون‌گذار به قاضی اختیار تعیین مجازات را داده است، برای تعیین مجازات معاون نیز به این شیوه عمل کند. اما این نظر خالی از اشکال نیست؛ چراکه نظام کیفری ایران نظریه یگانگی جرم (نظریه مجرمیت اکتسابی) را مورد پذیرش قرار داده است و برای تعیین مجازات معاون باید به مجازات شخص محارب توجه شود. در صورت تعیین مجازات نفی بلد یا صلب یا

قطع عضو برای مباشر عملاً معاون به علت سکوت قانون مجازات نمی‌شود و فقط در مجازات اعدام می‌توان برای شخص معاون، مجازات قابل تصور بود (مطابق بند الف ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی). از طرف دیگر، نمی‌توان برای یک جرم با مجازات‌های گوناگون در برخی موارد معاون مجازات شود و در بعضی دیگر خیر. ایرادی دیگری که وجود دارد این است که طبق قانون مجازات اسلامی اصولاً مجازات معاون از مباشر کمتر است، مثلاً اگر برای مباشر مجازات نفی بلد تعیین شود که مدت آن حداقل یک سال است و در صورت توبه این مجازات اتمام می‌یابد؛ اما برای معاون باید حبس تعزیری درجه دو یا سه باید انتخاب شود که مدت آن ده سال تا بیست و پنج سال است که در این صورت مجازات معاون از مباشر فزونی می‌یابد.

۲-۲. دکترین ملاک کیفر اشد

بدین معنا که هرگاه قانون‌گذار برای جرمی بیش از یک مجازات تعیین کرده باشد، ملاک، شدیدترین نوع مجازات است؛ همان‌گونه که قانون‌گذار در جرائم تعزیری چنین رویکردی اتخاذ کرده است. مطابق ماده ۱۹، تبصره ۳: «در صورت تعدد مجازات‌ها، مجازات شدیدتر و در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است. همچنین، اگر مجازاتی با هیچ‌یک از بندهای هشت‌گانه این ماده مطابقت نداشته باشد، مجازات درجه هفت محسوب می‌شود.» در جرم محاربه، اعدام شدیدترین نوع مجازات است؛ البته برخی از اساتید، صلب را نیز به اعدام ملحق کرده و آثار آن را مشابه می‌دانند (آقایی‌نیا و رستمی، ۱۴۰۱: ۵۰) که این موضوع محل تأمل است؛ زیرا اگر پس از سه روز، محارب زنده بماند، آزاد می‌شود و این با اعدام تفاوت دارد؛ چراکه اعدام به معنای خارج کردن روح از بدن محکوم است.

اگر برای مباشر، اعدام را ملاک قرار دهیم، مجازات معاون، حبس درجه دو یا سه خواهد بود که با توجه به اوضاع و احوال برای معاون تعیین می‌گردد. به این ترتیب، قرار دادن ملاک شدیدترین کیفر، برای تعیین کیفر معاونت در جرم محاربه منطقی به نظر می‌رسد؛ چراکه سیاست جنایی قانون‌گذاری ایرانی در جرائم علیه امنیت مبتنی بر سختگیری و کمترین میزان تسامح است. در حوزه جرائم علیه امنیت کشور به علت اعمال زیانبار آن علیه امنیت کشور و حفظ نظم عمومی و ثبات در حاکمیت سیاسی قانون‌گذار به جرم‌انگاری موسع و حداکثری روی آورده است و بعضاً در این نوع از جرائم از اصول کلی حقوق کیفری عدول کرده است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴: ۶). اما این نظر نیز اشکال دارد، چراکه خلاف اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و اصل برائت و اصل تفسیر به نفع متهم است. اما باین حال، رویکرد قانون‌گذار ایرانی در جرائم علیه امنیت مبتنی بر سختگیری است.

۳-۲. دکترین ملاک کیفر اخف

در این دیدگاه قاضی باید خفیف‌ترین مجازات را برای شخص محارب در نظر بگیرد و بنابراین نفی بلد که کیفر اخف برای محارب است و باید مورد حکم قرار گیرد. در این صورت نیز اشکالاتی وارد است، چراکه در صورت ملاک قرار دادن نفی بلد عملاً مجازات معاون منتفی می‌شود. زیرا کیفر نفی بلد در شمار مجازات‌های تعیین شده برای معاون در ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی نیست. به علاوه نظر مزبور قابل تمسک نیست؛ به این دلیل که رویکرد قانون‌گذار در جرائم علیه امنیت همواره رویکردی سخت‌گیرانه بوده است. استناد این رویکرد، توسل به اصل «تفسیر مضیق نصوص جزایی» و «تفسیر شک به نفع متهم» است که از اصول شناخته شده و نتیجه اصل قانونمندی حقوق کیفری محسوب می‌شود (رایجیان اصلی، ۱۳۹۵: ۵۰). در مقام شک در اراده قانون‌گذار، ابتدا باید کوشید تا به اراده اصلی مقنن واقف شد (تفسیر منطقی) و در غیر این صورت چنین شکی به نفع متهم تفسیر خواهد شد. مبنای چنین تفسیری را می‌توان از قاعده درء، اصل برائت، اصل قانونی بودن جرم و کیفر و قاعده قبح عقاب بلا بیان، استخراج کرد.

بر اساس این اصل تفسیری، با توجه به اینکه ماده ۱۲۷ در این خصوص ابهام دارد و راهی برای کشف مقصود مقنن وجود ندارد، لذا باید با توسل به تفسیر مضیق و تفسیر شک به نفع متهم، مسئله را برطرف کرد. این تفاسیر، مؤید ملاک کیفر اخف قانونی است. اما به هر حال، این دیدگاه را نیز نمی‌توان مبنا قرار داد؛ زیرا معاون با اعمال رفتار خود مرتکب جرمی شده است که همواره مباشر آن مشمول مجازات اشد قرار می‌گیرد و خلاف اصول حقوق کیفری و عدالت است که معاونت در جرم محاربه مشمول مجازات قرار نگیرد.

۴-۲. دکترین اعمال اصل ۱۶۷ قانون اساسی

اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد که «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.» در مواردی که با سکوت قانون‌گذار مواجه هستیم طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی باید به منابع فقهی و فتاوی رجوع شود و حکم قضیه را تعیین نمود. گفته شده است که هر دعوا در اصل شامل هم دعاوی مدنی و هم شامل دعاوی کیفری می‌شود. پس اگر به فقه رجوع کردیم و مجازاتی نیافتیم باید حکم برائت صادر کنیم باشد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۵: ۲۶۰). اما در پاسخ عده‌ای ذکر کرده‌اند این اصل در مورد دعاوی و مسائل کیفری خلاف قاعده

قیح عقاب بلا بیان و اصل قانونی بودن جرم و مجازات است و همچنین باعث تشدد آرا می‌شود (سپهوند، ۱۳۸۶: ۲۳)، اما در مورد تعیین مجازات معاونت در محاربه به این اصل نمی‌توان رجوع کرد، چراکه طبق ماده ۱۲۷ (ق. م. ا) که ذکر کرده است: «در صورتی که در شرع، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد، مجازات وی...» در مورد معاون مجازات تعیین شده است، اما قابلیت تعیینی ندارد.

همچنین در فقه نیز اکثر فقها بیشتر به طلیع و رده اشاره کرده‌اند که مجازات خاص خود را دارند و نمی‌توان این موارد را برای عموم معاونت‌ها در محاربه استفاده کرد. مضافاً ماده ۲۲۰ ذکر کرده است در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عمل می‌شود. این ماده برای حدود ارجاع به اصل ۱۶۷ را جایز می‌داند، اما می‌دانیم که تمام شروع به جرم‌ها و معاونت‌ها، تعزیری می‌باشند و باز هم نمی‌توان به فقه و فتاوی معتبر رجوع کرد.

۵.۲. دکنترین اعمال مجازات جایگزین

مطابق با ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی در جرائمی که نوع یا میزان مجاز آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌شوند. این نظر هم خالی از اشکال نیست، چراکه طبق ماده ۷۱ (ق. م. ا) تخصیص می‌یابد. مطابق این ماده اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در مورد جرائم علیه امنیت کشور ممنوع است و محاربه نیز جزئی از این جرائم است. مگر اینکه گفته شود معاونت در جرائم حدی، جرائم تعزیری می‌باشند؛ ولی باز هم چون این جرائم، از مصادیق نقض امنیت کشور است، مفاد این ماده قابل اعمال نیست. در حال حاضر با توجه به موارد و نظراتی که مورد بررسی قرار گرفتند و همچنین نظریه یگانگی جرم که با استقبال قانون‌گذار ایران نیز مواجه است، تنها می‌توان شدیدترین مجازات را که همان اعدام مباشر است، ملاک برای تعیین مجازات معاونت در جرم محاربه در نظر گرفت تا زمانی که این نقص و اجمال و ابهام قانونی توسط قانون‌گذاران بر طرف گردد و در سایر موارد تعیین مجازات با سکوت قانون‌گذار مواجه است.

نتیجه‌گیری

در بررسی معاونت در جرم محاربه، معاونت به معنای کمک و یاری رساندن به مباشر جرم است و این کمک می‌تواند به اشکال مختلفی از جمله ترغیب، تهدید، یا تهیه وسایل ارتکاب جرم (ماده ۱۲۶ ق. م. ا) صورت گیرد. بنابراین، درک دقیق از مفهوم معاونت و چگونگی تأثیر آن بر ارتکاب جرم، نیازمند تحلیل روابط بین مباشر و معاون است. این روابط می‌تواند به‌ویژه در زمینه جرائم حدی، مانند محاربه، پیچیده‌تر باشد. از یک سو، وجود

وحدت قصد بین معاون و مباشر ضروری است؛ به این معنا که هر دو باید هدف مشترک و یکسانی را در ارتکاب جرم داشته باشند. این وحدت قصد می‌تواند به‌عنوان یکی از ارکان اصلی در تعیین مجازات معاونت در محاربه تلقی شود و حتی امکان دارد اگر معاون قصد نداشته باشد، به‌طور کل مجازات نشود. به‌علاوه، باید به رکن روانی معاونت نیز توجه کرد که شامل علم و عمد در ارتکاب جرم است. درواقع، معاون باید با علم به اینکه اقدامش به ارتکاب جرم توسط مباشر کمک می‌کند، عمل کند و همچنین قصد نتیجه جرم ارتکاب محاربه از سوی مباشر یا علم به وقوع آن نیز داشته باشد. درحالی‌که مجازات محارب، به وضوح در قانون مجازات اسلامی مشخص شده است، وضعیت قانونی معاونت در این جرم به دلیل فقدان نص صریح و روشن، با ابهاماتی روبه‌روست.

از یک سو، نظریه یگانگی جرم به این معناست که مجازات معاون باید متناسب با رفتار مباشر جرم باشد و در صورت اعدام محارب، مجازات معاون نیز حبس تعزیری درجه دو یا سه خواهد بود. این رویکرد به نوعی باعث ایجاد تعادل در نظام کیفری می‌شود و از شدت مجازات‌ها برای معاونان می‌کاهد. اما در موارد دیگر مجازات‌های محاربه، مانند صلب، قطع عضو و نفی بلد، قانون‌گذار تصریحی به مجازات معاونت نکرده است. این سکوت قانونی می‌تواند به تبعیض و نابرابری در مجازات‌ها منجر شود و به نوعی احساس ناامنی حقوقی را در بین شهروندان ایجاد کند. همچنین، با توجه به اصل قانونمندی جرم و کیفر و قاعده قبح عقاب بلایان، نتیجه گرفته می‌شود که در صورت عدم وجود نص قانونی، باید به حکم برائت توجه کرد. اصل مزبور به معنای این است که اعمال کیفر بدون وجود قانون مجاز نیست. بنابراین، در غیاب نص قانونی در مورد مجازات معاونت در محاربه، به نظر می‌رسد که باید به اصل برائت پایبند بود و در موارد ابهام، به نفع متهم عمل کرد.

از منظر فقه و حقوق اسلامی (منابع فقهی)، محاربه به‌عنوان یک حد شدید تلقی می‌شود و مجازات‌های آن نیز به همین نسبت عقوبتی سخت می‌باشند. با توجه به آیات قرآن و متون فقهی، حد محارب شامل اعدام، صلب، قطع عضو و نفی بلد می‌شود. این تنوع در مجازات‌ها، چالش‌هایی را در تعیین مجازات معاونت ایجاد می‌کند. به‌ویژه در مواردی که مباشر به مجازات‌های غیر از اعدام محکوم می‌شود، عدم وجود نص قانونی مشخص در مورد مجازات معاونت، می‌تواند به نابرابری و بی‌عدالتی منجر گردد. علاوه بر این، با توجه به رویکرد سخت‌گیرانه نظام کیفری ایران نسبت به جرائم علیه امنیت، پیشنهاد می‌شود که برای تعیین مجازات معاونت در محاربه تا زمان اصلاح قانون، مجازات اعدام به‌عنوان شدیدترین مجازات در نظر گرفته شود. این اقدام می‌تواند از این جهت، مؤثر باشد که هم عدالت کیفری رعایت شود و هم از بروز ابهامات بیشتر جلوگیری گردد. درنهایت، بازنگری و اصلاح

در قوانین مربوط به معاونت در محاربه ضرورت دارد. ایجاد شفافیت در قوانین و تعیین مجازات‌های مشخص برای معاونت در این جرم می‌تواند به بهبود نظام حقوقی و افزایش حس امنیت و اعتماد عمومی کمک کند.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۰). *حقوق جزای عمومی*. جلد دوم، چاپ پنجاه و نهم، تهران: نشر میزان.
- آقای نی، حسین؛ رستمی، هادی (۱۴۰۱). *حقوق کیفری اختصاصی (۲): جرائم علیه مصالح عمومی کشور*. جلد دوم، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- پوربافرانی، حسن (۱۴۰۲). *جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی*. چاپ پنجم، تهران: انتشارات جنگل.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱ش). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. جلد سوم، چاپ دوم، انتشارات گنج دانش.
- حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۹۵). *حاکمیت یا عدم حاکمیت اصل ۱۶۷ (ق.م.ا) در امور کیفری با نگاهی به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲*. پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۲، شماره ۲.
- حاجی ده آبادی، احمد؛ حسانی، یعقوب (۱۴۰۱). *ارکان تشکیل دهنده عنصر روانی معاونت در حقوق کیفری*. پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ۱۳، شماره ۲.
- حلی، محقق جعفر بن الحسن (۱۳۸۹ ق). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*. نجف اشرف: مؤسسه الاداب.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵). *فرهنگ متوسط دهخدا*. جلد ۲، چاپ اول، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۵). *اصل قانونمندی حقوق جنایی با رهیافتی به تحولات اخیر آن در حقوق ایران، در علوم جنایی تطبیقی در پرتو همکاری‌های بین‌المللی مجموعه مقالات نكوداشت دكتر سیلو یا تلنباخ، به کوشش: دکتر حسین غلامی، تهران: بنیاد حقوقی میزان*.
- سپهوند، امیرخان (۱۳۸۶ ش). *جرائم علیه اشخاص*. تهران: مجد.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۲). *حقوق جزای عمومی*. جلد دوم، چاپ دوم، تهران: مجد.
- شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۹۶). *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*. جلد یک، حقوق جزای عمومی، چاپ چهارم، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۸۴). *شرح و تبیین اللمعه*. ترجمه: علی شیروانی، جلد ۱۳ و ۱۴، چاپ پنجم، مؤسسه انتشارات دارالعلم.
- طوسی، محمد ابن الحسن (۱۳۶۲). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*. ترجمه: سید محمدباقر سبزواری، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- غلامی، علی (۱۴۰۲ ش). *حقوق جزای عمومی در جمهوری اسلامی ایران*. جلد دوم، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۳ ش). *محشای قانون مجازات اسلامی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.
- محسنی، فرید؛ دیبناژاد، محسن (۱۳۹۶). *تحلیل مصادیق قانونی معاونت در جرم و امکان تحقق آن‌ها از طریق ترک فعل*. دو فصلنامه شهر قانون، شماره ۲۰.
- محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین (۱۳۷۴). *شرائع الاسلام*. جلد سوم، چاپ ششم، ترجمه: ابوالقاسم ابن احمد یزدی، مؤسسه

انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

محمدخانی، عباس (۱۳۹۵ ش). *عنصر روانی جرم*. جلد یک، تهران: نشر میزان.

معین، محمد (۱۳۷۶). *فرهنگ معین*. چاپ یازدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

منصورآبادی، عباس (۱۳۹۶). *حقوق جزای عمومی ۲*. چاپ اول، تهران: نشر میزان.

موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۶). *تحریر الوسیله*. جلد چهارم، دفتر انتشارات اسلامی.

میرمحمد صادقی، حسین (۱۴۰۰ ش). *حقوق جزای عمومی*. جلد یک، چاپ سوم، انتشارات دادگستر.

میرمحمد صادقی، حسین؛ رحمتی، علی (۱۳۹۴). *مصادیق عدول از اصول کلی حقوق کیفری در جرائم علیه امنیت*. سال ۲۴، شماره ۷۸.

نجفی، محمدحسن (۱۳۹۰). *جواهر الکلام، حدود و تعزیرات*، جلد سوم، چاپ اول، ترجمه: اکبر نایب زاده، انتشارات خرسندی.

نوربها، رضا؛ شیر، عباس (۱۳۹۶ ش). *زمینه حقوق جزای عمومی*. چاپ اول، نشر میزان.

هاشمی، سید محمد (۱۳۷۶). *محارب کیست و محاربه چیست؟ (بحثی در شناخت موضوع حد محارب)*. نشریه فقه

اهل بیت^{علیهم‌السلام}، شماره ۱۱ و ۱۲.